مجله کانون وکلای دادگستری استان آذربایجان شرقی
کانون وکلای دادگستری استان آذربایجان شرقی
شماره ۵۳ و۵۴ بهار و تابستان ۱۴۰۴

نقش هوش مصنوعی در تفسیر قراردادهای تجاری در حقوق ایران و انگلیس

حمیدهاشمی‌آلانق[۱]

چکیده

تفسیر قراردادهای تجاری یکی از مسائل اساسی در حقوق خصوصی است که دقت و فهم صحیح مفاد قرارداد نقش مهمی‌در تضمین ثبات و پیش‌بینی‌پذیری روابط تجاری دارد. با توسعه فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، امکان تحلیل سریع و دقیق متون قراردادی فراهم شده است. این پژوهش با رویکرد تحلیلی– تطبیقی به بررسی نقش هوش مصنوعی در فرآیند تفسیر قراردادهای تجاری و میزان پذیرش آن در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس می‌پردازد.

در این تحقیق، ابتدا اصول و مبانی تفسیر قرارداد در دو نظام حقوقی تحلیل شده و سپس کاربردهای هوش مصنوعی در تحلیل خودکار متن قرارداد و چالش‌های حقوقی، اخلاقی و عملی آن شناسایی شده است. همچنین تفاوت‌ها و شباهت‌های دو نظام در پذیرش تحلیل ماشینی و میزان مشروعیت آن بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند دقت و سرعت تفسیر قراردادها را افزایش دهد، اما قادر به جایگزینی کامل قضاوت انسانی نیست. از منظر تطبیقی، نظام حقوقی انگلیس با انعطاف‌پذیری بیشتر، پذیرش فناوری‌های نوین را تسهیل می‌کند، در حالی که در حقوق ایران، ماهیت نص‌محور و تأکید بر قصد واقعی طرفین محدودیت‌هایی برای پذیرش تحلیل ماشینی ایجاد می‌کند.

این پژوهش با ارائه چارچوب تطبیقی و پیشنهاد راهکارهای قانونی و عملی، می‌تواند زمینه‌ساز به‌کارگیری مشروع و تدریجی هوش مصنوعی در تفسیر قراردادهای تجاری در ایران باشد و به توسعه علمی‌و کاربردی حقوق فناوری اطلاعات و قراردادهای تجاری کمک کند.

کلید واژه: هوش مصنوعی، تفسیر قرارداد، قراردادهای تجاری، تحلیل خودکار

مقدمه

---

۱. وکیل پایه یک دادگستری و دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
h.hashemi5086@iau.ir

تحولات شتابان فناوری در سال‌های اخیر، به‌ویژه در حوزه هوش مصنوعی و پردازش زبان طبیعی، ابعاد تازه‌ای را در تحلیل و فهم اسناد حقوقی ایجاد کرده است. قراردادهای تجاری که بنیان بسیاری از روابط اقتصادی را شکل می‌دهند، همواره با چالش‌هایی در زمینه ابهام، اختلاف معنایی و دشواری‌های تفسیری روبه‌رو بوده‌اند. ورود فناوری‌های هوشمند با قابلیت تحلیل متن، استخراج مفاهیم و ارزیابی الگوهای زبانی، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا می‌توان از این ابزارها در کمک به فرآیند تفسیر قرارداد بهره گرفت و نقش آن‌ها در این عرصه تا چه اندازه قابل اعتبار و اتکا است.

اهمیت پرداختن به این موضوع از چند جهت قابل توجیه است. نخست آنکه افزایش حجم، پیچیدگی و تنوع قراردادهای تجاری باعث شده است که تفسیر دقیق و سریع آن‌ها به یک ضرورت عملی تبدیل شود. دوم، ابزارهای تحلیل ماشینی در بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته، به‌ویژه در انگلستان، مورد توجه قرار گرفته‌اند و بررسی تطبیقی تجربیات این کشور می‌تواند برای حقوق ایران سودمند باشد. سوم، عدم وجود چارچوب قانونی مشخص در ایران برای پذیرش یا رد نتایج حاصل از تحلیل ماشینی، ضرورت پژوهشی تازه در این زمینه را آشکار می‌سازد. از این رو، بررسی علمی‌امکان بهره‌گیری از هوش مصنوعی در تفسیر قرارداد و تحلیل پیامدهای حقوقی آن، از نظر نظری و کاربردی اهمیت ویژه‌ای دارد.

هدف این پژوهش آن است که ضمن بیان مبانی نظری تفسیر قرارداد و قابلیت‌های هوش مصنوعی در تحلیل متن، نقش و جایگاه این فناوری را در فرآیند تفسیر قراردادهای تجاری بررسی کند و تفاوت‌ها و مشابهت‌های دو نظام حقوقی ایران و انگلیس را در میزان پذیرش و اعتبار نتایج مبتنی بر تحلیل ماشینی مورد ارزیابی قرار دهد. در این مسیر، قابلیت‌های فنی ابزارهای هوش مصنوعی و چگونگی بهره‌گیری آن‌ها در کشف قصد طرفین و تحلیل شروط قراردادی بررسی می‌شود و پیامدهای حقوقی ناشی از کاربرد این فناوری نیز تحلیل خواهد شد.

روش کار در این پژوهش مبتنی بر شیوه توصیفی–تحلیلی و با رویکرد مطالعات کتابخانه‌ای است. ابتدا مفاهیم و مبانی نظری مرتبط با تفسیر قرارداد و فناوری هوش مصنوعی بررسی می‌شود، سپس قواعد و اصول تفسیری در حقوق ایران و انگلیس مورد مطالعه تطبیقی قرار می‌گیرد، و در نهایت با تحلیل یافته‌ها، تصویری روشن از جایگاه و امکان استفاده از تحلیل ماشینی در تفسیر قرارداد ارائه می‌شود.

ساختار مقاله به‌گونه‌ای تنظیم شده است که ابتدا مبانی نظری و مفاهیم مقدماتی تشریح می‌شود، سپس نقش و کارکردهای هوش مصنوعی در تفسیر قراردادهای تجاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. در

ادامه، تحلیل تطبیقی میان حقوق ایران و انگلیس انجام می‌شود و در پایان، چالش‌ها، پیامدها و نتایج به‌دست‌آمده جمع‌بندی و پیشنهادهای لازم ارائه می‌شود.

۱- مبانی نظری و مفاهیم مقدماتی

قبل از ورود به متن مقاله بدواً به تعریف، شرح و بیان مختصر از مفاهیم به کار رفته در مقاله پرداخته شده که ذیلاً آورده شده است.

۱-۱-تعریف هوش مصنوعی

واژه‌ی «هوش مصنوعی» را اولین بار جان مک کارتی در سال ۱۹۹۱ در اولین کنفرانس دانشگاهی که در این خصوص برگزار گردید، به کار گرفت (تبریزی، ۱۴۰۴،ص۱۳) تعاریف پراکنده ای از هوش مصنوعی ارائه شده که به چند تعریف اکتفا می‌شود. خود مک کارتی هوش مصنوعی را این گونه تعریف کرده است: «علمی‌است که به ساخت ماشین‌های هوشمند به ویژه برنامه‌های کامپیوتری می‌پردازد.» تعریف دیگری که آلن تورینگ در کتاب خود تحت عنوان «ماشین محاسبات و هوشمند» ماشین هوشمند را این گونه تعریف می‌کند: «اگر ماشینی بتواند در آزمونی شرکت کند و پاسخی شبیه به انسان ارائه دهد که نتوان آن را از پاسخ‌های انسانی تمایز داد، می‌توان گفت آن ماشین دارای هوش است.»(انتظاری،۱۴۰۴، ص ۲۱-۲۲) ماشین هوشمند به مجموعه از سیستم و تکنولوژهایی گفته می‌شود که می‌توانند هوشمندی انسان را شبیه سازی کنند.(Remus & Levy, 2016)

۱-۲- قرارداد

در جهان امروز قراردادها به عنوان ابزار اصلی تنظیم روابط تجاری و اقتصادی نقش حیاتی در تضمین ثبات روابط میان اشخاص ایفا می‌کند دکتر شهیدی در کتاب تشکیل قراردادها و تعهدات، قرارداد را با معنای تحلیلی عقد که عبارت است از همکاری متقابل اراده دو یا چند شخص در ایجاد ماهیت حقوقی، یکی دانسته و برای آن دو معنی اعم و اخص قایل شده است که معنای اخص آن صرفا شامل عقود غیر معین می‌باشد همانگونه که قانون مدنی در ماده ۱۰ همین معنا را به کاربرده است. (شهیدی ،مهدی، ۱۴۰۲، ص۴۱-۴۰) چنانچه این قرارداد ناظر به روابط مالی افراد باشد وصف تجاری را نیز در پی خواهد داشت و در مقاله حاضر نیز همین معنا از قرارداد مد نظر می‌باشد.

۱-۳- تفسیر حقوقی

این واژه از مادّه فسر گرفته شده و در لغت نامه دهخدا برای این واژه معانی متعددی ذکر شده است، از جمله تاویل، تشریح، ترجمان، تعبیر، تلقی، توضیح، شرح، بیان کردن، شرح دادن، تشریح کردن، معنای معقول و... که همه این معانی در مفهوم «تبیین و آشکار ساختن و اظهار کردن» مشترک‌اند. مرحوم دکتر لنگرودی در زیر عنوان واژه تفسیر بعد از بیان معنای لغوی و فقهی آن، اصطلاحات بکار رفته با واژه تفسیر آورده است و در تعریف «تفسیر قانون» چنین آورده اند: «کشف مقصود قانونگذار از طریق به کار بردن قواعد و مقررات ادبی یا منطقی یا از طریق استفاده از سوابق تاریخی.» ایشان کاربرد این نوع از تفسیر را در دو مورد؛ روشن نبودن قانون و تردید در ضیق و سعه مدلول قانون می‌دانند. و در ادامه تفسیر قانونی را در بند ب شماره ۱۳۶۷ تفسیری می داند که مقام صلاحیتداری با اختیاری که قوه مقننه به او داده از قانون کند. و تفسیر قضایی را تفسیری که یک دادرس در حدود انجام وظیفه خود می‌نماید معنا نموده اند (لنگرودی،۱۳۸۸،ص۱۷۱) تفسیر قانونی توسط قوه مقننه و تفسیر قضایی توسط قوه قضائیه به عمل می‌آید. اما اگر بخواهیم در ادبیات حقوقی یک تعریف نسبتا دقیق از «تفسیر» ارائه دهیم احتمالا این خواهد بود: «تفسیر حقوقی فعالیتی عقلایی در راستای فهمیدن عبارات حقوقی است». (محقق داماد،۱۴۰۴،ص۱۸) در این تعریف عامل «فعالیت عقلایی» واژه معنای تفسیر را با سامانه‌های «هوش مصنوعی» که رفتار و فکر عقلایی دارند به هم نزدیک می‌شوند.

۱-۴- قواعد تفسیری

دکتر محقق داماد در کتاب «تفسیر قانون» قواعد تفسیری را اینگونه تعریف می‌کنند: «دستورالعمل‌هایی هستند که موجب پدید آمدن یک فهم ضابطه مند از متن خواهند شد.»(محقق داماد،۱۴۰۴،ص۲۶۳) ایشان در این کتاب به توضیح و تشریح ده قاعده تفسیری پرداخته‌اند برخی از نویسندگان حقوقی به تعداد متفاوتی از قواعد تفسیری اشاره دارند.

۲- ارتباط هوش مصنوعی و حقوق

دانشمندان از دهه ۱۹۷۰ م شروع به استفاده از هوش مصنوعی در علم حقوق کردند و در این زمان بود که از برنامه ای، جهت تحلیل قوانین مالیاتی و معافیت‌ها استفاده شد.(انتظاری،۱۴۰۴،ص۹۱) هوش مصنوعی در حوزه حقوق به مجموعه‌ای از روش‌ها، الگوریتم‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای گفته می‌شود که توانایی انجام فعالیت‌هایی مشابه فرایندهای شناختی انسان، مانند استدلال، تصمیم‌گیری، تحلیل متن،

پیش‌بینی و یادگیری را دارا هستند. در عرصه حقوق، این مفهوم فراتر از یک ابزار فنی بوده و به‌عنوان یک فناوری توانمند در جهت خودکارسازی مراحل مختلف فرآیند حقوقی، از جمله تحلیل اسناد، پیش‌بینی نتایج دعاوی، مدیریت داده‌های قضایی، و پشتیبانی از تصمیم‌گیری قضایی و قراردادی به‌کار گرفته می‌شود.(Surden, 2014)

هوش مصنوعی در زمینه تفسیر قراردادها نیز نقشی ویژه یافته است؛ زیرا با بهره‌گیری از پردازش زبان طبیعی (NLP) می‌تواند ساختار معنایی جملات، ارتباط میان شروط و حتی الگوهای زبانی به‌کاررفته توسط طرفین را تحلیل کند. این قابلیت باعث می‌شود که هوش مصنوعی در شناسایی ابهام، استخراج تعهدات و ریسک‌ها، و تحلیل قصد احتمالی طرفین نقش کمک‌کننده‌ای ایفا نماید (Katz, Bommarito & Blackman, 2017).

با این حال، ورود هوش مصنوعی به حقوق چالش‌هایی نیز به همراه دارد؛ از جمله مسئله اعتبار ادله مبتنی بر تحلیل ماشینی، تعیین مسئولیت ناشی از خطای الگوریتمی، و پرسش از میزان مشروعیت دخالت سیستم‌های خودکار در حوزه‌هایی که ماهیت انسانی و تفسیری دارند. از این رو، مفهوم هوش مصنوعی در حقوق نه‌تنها یک فناوری فنی، بلکه یک تحول مفهومی‌و هنجاری است که پیامدهای آن نیازمند تحلیل دقیق و چندلایه است

۳- ضرورت و هدف تفسیر قرارداد

تمامی قراردادهای منعقد شده میان طرفین بدون ابهام نیست اختلافات حاصل از انعقاد قراردادها در مورد حدود و دامنهٔ تعهدات طرفین، آثار و موضوع معامله، زمینه را برای لزوم تفسیر قرارداد توسط مرجع قضایی آماده می‌سازد و قاضی ناچار از تفسیر قرارداد است (صفایی،۱۳۹۴،ص۱۷۴) این درست است که در مواردی به علت نبود اطلاع کافی از مقررات قانونی یا تسامح در آن، طرفین نمیتوانند قراردادی منعقد کنند که مفهوم عبارات مبین اراده‌های آنان باشد، ولی در مواردی نیز سودجویی افراد باعث میشود تفسیر قرارداد ضروری شود. بنابراین نارسایی الفاظ و ابهام در متون قراردادی از یک سو، اوضاع و احوال غیرمترقبه از سوی دیگر و نیز هدف کسب سود نامشروع از سوی برخی از منعقدکنندگان که با آگاهی از حقوق و تعهدات خویش، آشکارا و با نیت قبلی نکاتی مبهم در قرارداد باقی میگذارند، موجب بروز مشکلاتی در اجرای قرارداد خواهد شد و این وظیفهٔ دستگاه قضایی است که با استفاده از تفسیر قرارداد با توجه به ابزار و شیوههای خاص خود، موجب رفع ابهام از قرارداد شود و در این بین با رجوع به قصد مشترک طرفین و عوامل قراردادی دیگر رفع اختلاف کند و حتی گاه قرارداد را باطل اعلام نماید

هدف تفسیر مفاد قرارداد کشف ارادههای طرفین در مسیر انعقاد و اجرای قرارداد و رفع ابهام از مفاد و عبارات قرارداد هنگامی‌است که عبارات یا بندهای آن مجمل یا متناقض است. در واقع هدف تفسیر مفاد قرارداد برداشتن موانع در مسیر اجرای عقد با توجه به ارادههای طرفین قرارداد است. (علومی یزدی،۱۳۸۷،ص۲۳۴-۲۳۵)

۴-شیوهای تفسیر قرارداد

استفاده از قواعد تفسیری تا حد زیادی متاثر از دیدگاههای فلسفی و ایدولوژیک قاضی و اساتید حقوقی است طبیعاتا یک قاضی نص گرا در مقایسه با یک قاضی عملگرا اصولا نگاه متفاوتی به قواعد تفسیری دارد.(محقق داماد،۱۴۰۴،ص۲۷۶) ضمنا دو دیدگاه فرد گرایی و اصالت اجتماع که به ترتیب معتقد به اصالت اراده باطنی و ظاهری برای پی بردن به اراده افراد می‌باشند که یکی از مهمترین آثار این دو نظریه در چگونگی تفسیر قراردادها ظاهر می‌شود.(کاتوزیان،۱۳۹۱،ص۲۴۱)

۱-۴-شیوهای تفسیر قرارداد در نظام حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران همانگونه که فقه امامیه نیز شهرت دارد اصل این است که اراده باطنی بر اعلام اشخاص در انجام اعمال حقوقی حکومت می‌کند (کاتوزیان،۱۳۹۱،ص۲۳۲) منتها این اصل بدون استثنا باقی نمانده و قانونگذار از لزوم حفظ نظم در معاملات و احترام به اعتقاد مشروع اشخاص غافل نبوده و در ماده ۱۹۱ قانون مدنی مقرر داشته است که اراده باطنی در صورتی ایجاد التزام می‌کند که به وسیله‌ای اعلام شود. لذا در تفسیر قراردادها در نظام حقوقی ایران اینگونه عمل میشود:

الف) ابهام قرارداد باید به گونه ای تفسیر شود که برخاسته از قصد مشترک طرفین باشد.

ب) هر گاه طرفین در رفع ابهامات قراردادی ناتوان باشند، تفسیر ارادهٔ فرد متعارف و معقول در انعقاد قرارداد با همان شرایطی که طرفین قرارداد داشته اند، مد نظر قرار میگیرد. به طور مثال تعهدات عرفی بر طرفین بار میشود هر چند که در قرارداد ذکری از این تعهدات نشده باشد.

ج) محدودیتهای قانونی درباره قصد مشترک رعایت گشته و شروط مخالف با این محدودیتها حذف میگردند.

د)هر گاه لفظ معنایی با مخالف مصالح اجتماعی داشته باشد از دلالت آن معنا بر لفظ پیشگیری میشود هر چند که معنا، مطابق قصد طرفین باشد. بنابراین دادرس در پی احراز معنای دیگری برمیآید تا به صحت عقد حتی الامکان خللی وارد نیامده و به ارادههای اشخاص نیز نزدیک باشد.

هـ) در تفسیر قرارداد خلأهای موجود با ابزارهای تفسیری همانند عرف، حسن نیت و اصول اخلاقی جبران شده و قرارداد تکمیل میگردد

و) در تطبیق معنا بر لفظ نیز هر گاه دو معنا وجود داشته باشد که یکی برخاسته از ابزارهای اجتماعی و دیگری برخاسته از قصد مشترک طرفین باشد معنایی را برگزید که طرفین مد نظر داشته اند، ولی این گزینش منوط به عدم مغایرت با منافع اجتماعی خواهد بود. (علومی یزدی،۱۳۸۷،ص۲۴۲-۲۴۳)

۲-۴- شیوهای تفسیر قرارداد در نظام حقوق انگلستان

از دو مکتب مهم در خصوص اعتبار اراده باطنی و ارتباط آن با اعلام اراده و عقد مکتب اصالت اجتماع در نظام حقوقی انگلیس و آمریکا نفوذ فراوان دارد و معتقدند که الفاظ و اشارات را مظهر خارجی اراده و همان چیزی است که باید مبنای هر تعهد قرار گیرد.(کاتوزیان،۱۳۹۱،ص۲۲۸) و برای حفظ نظم در نظام حقوقی انگلستان میتوان به این نکته پی برد که دادرس در کنار اهمیت دادن به اراده و قصد طرفین در انعقاد قرارداد و تأمین اهداف آنها در تفسیر قرارداد، تفسیری را برمی‌گزیند که علاوه بر تأمین منافع فردی، مضر به حال اجتماع نیز نباشد (Keenans and Smith,2001,p 326) به این ترتیب دادرس در مواجهه با یک قرارداد و تفسیر آن باید بین دو نکته اساسی پیوند برقرار نماید:

۴-۲-۱- تفسیری نماید که برخاسته از قصد مشترک بوده و در جهت تأمین منافع و انتظارات فردی آنها از نتیجه قرارداد باشد. (Chitty Joseph,2004,p10-12)

۴-۲-۲- طرفین قرارداد را به عنوان جزئی از اجزای جامعه پنداشته و به آنان هرگز اجازه ندهد که در جهت تأمین منافع فردی، هنجارهای اجتماعی را نادیده بگیرند. در واقع در تفسیر قرارداد، مخالفت نکردن با الزامات و هنجارهای اجتماعی را مد نظر قرار داده و تفسیری را برگزینند که علاوه بر تأمین منافع فردی، در جهت تأمین منافع اجتماعی نیز باشد. با برقراری تعادل و توازن بین نکات مزبور، تفسیر قرارداد به معنای پی بردن به قصد مشترک طرفین در جهت خواسته‌های آنان با در نظر گرفتن محدودیتهای اجتماعی و احترام به عوامل اجتماعی است. بنابراین در تفسیر قرارداد، آموزه‌های مکاتب فردی و اصالت اجتماعی با یکدیگر تلفیق شده و دادرس را وا میدارند تا با توجه به مواد زیر به رفع ابهام از قرارداد بپردازد .

۴-۲-۲-۱- به کشف قصد مشترک طرفین پرداخته و براساس شروط قراردادی تفسیری را به عمل میآورد که مد نظر آنان است. در این بین به تمامی

شروط صریح و شروط ضمنی توجه نموده و آنها را به گونهای با هم پیوند میدهد که مطابق با ارادۀ طرفین قرارداد باشد. در واقع تمامیمفاد سند و محتویات آن در نظر گرفته شده و هدف اساسی، حل اختلاف منعقدکنندگان قرارداد براساس خواست مشترک و در جهت منافع مشترک آنان است.

۴-۲-۲-۲- در تفسیر قرارداد به قوانین موضوعه اهمیت میدهد. قانون برخی از قراردادها را از بدوانعقاد باطل میداند برایمثال مادۀ 18قانون قمار مصوب 1845اذعان میدارد: «تمام قراردادهای مربوط به قمار و شرطبندی،خواه شفاهاً و خواه کتباً منعقد شوند باطل و بلااثر خواهند بود و هیچ ادعایی برای استرداد وجه یا چیزهای باارزش مورد ادعای برندۀ قمار، یا اشیائی که به دست ثالثی سپرده شده تا پس از وقوع شرطبندی آنها را به برندۀ قمار بدهد، در دادگاههای قانونی یا انصاف قابل اقامه یااستماع نخواهد بود» بنابراین در رجوع به قرارداد و تفسیر آن، دادرس باید به نظر اجتماع و نمایندگان آن احترام گذارد و در جهت حفظ منافع عمومیگام بردارد. از این روست که توافق اشخاص برای انعقاد و نیز قراردادهای مربوط به روابط جنسی قراردادهایی که برای ارتکاب جرم یا تخلفات مدنی که مطابق قوانین موضوعه باطل اعلام شده اند معتبر نبوده و دادرس در تفسیر این که مطابق قوانین موضوعه باطل اعلام شده اند معتبر نبوده و دادرس در تفسیر این قراردادها، به دلیل مخالفت با قوانین آمره راهی را خواهد پیمود که به بطلان قرارداد بیانجامد .

۳-۲-۲-۴- علاوه بر رعایت قوانین موضوعه و احترام به آنها، قرارداد باید در جهتی تفسیر شود که که به نظم عمومیلطمهای وارد نشود. با این وصف، چه در زمان انعقاد قرارداد و چه در زمان اجرای آن، هر گاه شرط قراردادی آشکارا مخل نظم عمومیباشد آن شرط از قرارداد حذف میشود و اگر شرط به گونه ای مندرج شود که حذف آن موجب اخلال در روابط کلی طرفین گردد، کل قرارداد باطل و بلااثر خواهد شد.

۴-۲-۲-۴- علاوه بر رعایت قوانین موضوعه و نظم عمومی‌اعمال شده از سوی قضات، در تفسیر قراردادها، قواعد اخلاقی نیز باید مدنظر قرار گیرد. از این رو هیچ شخصی نمیتواند در معنی دادن به الفاظ، معنایی را برگزیند که مخالف با اصول و قواعد اخلاقی پذیرفته شده در جامعه است .بنابراین در تفسیر قراردادهای مربوط به نامزدی و ازدواج، معنایی برگزیده خواهد شد که علاوه بر تبیین مشترک طرفین، با اصول اخلاقی نیز سازگار بوده و در عمل به حرمت خانوادگی لطمه نزند.

با نگرش در موارد بالا، مشخص میگردد که نظام حقوقی انگلستان همانند نظام حقوقی ایران، مکتب تلفیقی را پذیرفته است. (علومی‌یزدی،۱۳۸۷،ص۲۴۳-۲۴۵)

۵- ابزارها و انواع هوش مصنوعی در تحلیل متون حقوق

هوش مصنوعی در تحلیل متون حقوقی شامل مجموعه‌ای از فناوری‌ها و الگوریتم‌ها است که قادر به پردازش و تحلیل داده‌های متنی با دقت و سرعت بالاتر از انسان هستند.

مهم‌ترین انواع هوش مصنوعی در این زمینه عبارت‌اند از

۵-۱-پردازش زبان طبیعی: (Natural Language Processing – NLP)

NLP به سیستم‌ها امکان می‌دهد متون حقوقی را به صورت خودکار تحلیل کنند، مفاهیم کلیدی را استخراج کنند و روابط معنایی میان جملات و بندهای قرارداد را شناسایی نمایند .(Ashley, 2017) این فناوری در شناسایی شروط قراردادی، تشخیص بندهای پرخطر و تحلیل پیش‌بینی اختلافات کاربرد دارد.

۵-۲-یادگیری ماشین:(Machine Learning – ML)

الگوریتم‌های یادگیری ماشین با آموزش روی داده‌های حقوقی می‌توانند الگوهای تصمیم‌گیری قضایی و قراردادی را شناسایی کنند و پیش‌بینی‌هایی درباره نتایج احتمالی پرونده‌ها یا تفسیر قرارداد ارائه دهند **(Katz,** Bommarito & Blackman, 2017).

۵-۳-سیستم‌های خبره:(Expert Systems)

سیستم‌های خبره، قوانین و اصول حقوقی را به عنوان ورودی دریافت کرده و بـر اسـاس قواعـد اسـتنتاج منطقی، تحلیل و پاسخ‌های مبتنی بر دانش ارائه می‌کنند. این سیسـتم‌ها در بررسـی انطبـاق قـرارداد بـا مقررات و تشخیص مغایرت‌ها کاربرد دارند.(Surden, 2014)

۵-۴-تحلیل معنایی و اسـتخراج اطلاعـات (Information Extraction & Semantic Analysis)

با استفاده از هوش مصنوعی، مفاهیم کلیدی و روابط معنایی متون حقوقی به صـورت خودکـار اسـتخراج می‌شوند که می‌تواند در تحلیل قصد طرفین، شناسایی تعهدات و ارزیابی ریسک‌های قراردادی مفید باشد (Branting, 2010).

کارکردهای هوش مصنوعی در تحلیل متون حقوقی محدود به خودکارسازی فرآینـدها نیسـت، بلکـه شامل افزایش دقت، کاهش خطاهای انسانی، بهبـود پیش‌بینی‌هـا و تسـریع تصـمیم‌گیری در دادگاه‌هـا، داوری‌ها و دفاتر حقوقی می‌باشد. با این حال، پذیرش و استناد به نتایج حاصل از تحلیل ماشینی نیازمنـد چارچوب‌های قانونی و معیارهای حقوقی مشخص است.

۶-توانمندی‌ها و محدودیت‌های هوش مصنوعی در کشف قصد مشترک طرفین

با وجود توانمندی‌های هوش مصنوعی در تحلیل قراردادها، استفاده از این فنـاوری بـا محـدودیت‌ها و چالش‌های جدی مواجه است که در این گفتار به بیان برخی از آنها پرداخته می‌شود.

۶-۱- توانمندی‌های هوش مصنوعی در کشف قصد مشترک طرفین

هـوش مصـنوعی، بـه‌ویژه مـدل‌های بـزرگ زبـانی (Large Language Models) ماننـد GPT و مدل‌های نوروسیمبولیک، قادر است با تحلیل زمینه‌ای (context) و اطلاعات خارج از متن، به «تخمین معنای قراردادی (contractual meaning) «نزدیک شود و احتمال قصد مشترک طـرفین را ارزیـابی کند. مطالعه‌ای توسط آربل وهافمن نشان می‌دهد که مـدل‌های LLM می‌تواننـد بـا نگـاه بـه توافقـات واقعی و اسناد قضایی، ابهام معنایی را کم کنند، معنای مشترک را اندازه‌گیری کنند و به تحلیلگرانی چون قضات کمک کنند تا برآوردی منصفانه‌تر از آنچه طرفین « واقعاً منظور داشته‌اند» ارائه دهند.
(Arbel & Hoffman, 2023,P3)

به‌علاوه، وقتی مدل‌های هوش مصنوعی با استانداردهای حقوقی (مثل استانداردهای فیدوشیاری یا اصول تفسیر قانونی) آموزش داده شوند، می‌توانند در نقش «نمایندگان حقوقی» ایفای نقش کنند؛ یعنی اهداف و ارزش‌های حقوقی را طوری بازنمایی کنند که فهم مشترک‌تر و اعتمادبخش‌تری میان طرفین و دادگاه‌ها شکل گیرد . (Nay, 2023,P15) این توانمندی می‌تواند به کاهش اختلافات ناشی از تفسیر در دادگاه‌ها یا داوری‌ها کمک کند و امکان تصمیم‌گیری منصفانه‌تر را فراهم آورد.

۶-۲-محدودیت‌ها، خطاها و چالش‌ها در تفسیر مبتنی بر هوش مصنوعی

نخستین محدودیت، عدم توانایی کامل در درک زمینه حقوقی و قصد واقعی طرفین است. مدل‌های زبان بزرگ (LLM) ممکن است معانی ضمنی یا نیت واقعی طرفین را به‌درستی شناسایی نکنند و دچار برداشت‌های نادرست شوند . (Katz et al., 2022,P12)

دومین چالش، خطاهای الگوریتمی‌و سوگیری داده‌ها است. سیستم‌های هوش مصنوعی تنها بر اساس داده‌های آموزشی عمل می‌کنند و اگر داده‌ها ناقص، مغرضانه یا قدیمی‌باشند، نتیجه تحلیل می‌تواند نادرست یا ناقص باشد . (Surden, 2019,P88)

سوم، مسئله مسئولیت حقوقی و مشروعیت تحلیل ماشینی است. در صورتی که تحلیل خودکار اشتباه باشد و باعث خسارت به یکی از طرفین شود، مشخص کردن مسئولیت و نحوه جبران خسارت پیچیده خواهد بود. (Remus & Levy, 2016,P10)

چهارم، عدم شفافیت الگوریتم‌ها، امکان بررسی و اثبات دلیل نتایج تولیدشده توسط هوش مصنوعی را دشوار می‌کند. این مسئله موجب محدود شدن اعتماد قضات و وکلا به تحلیل ماشینی می‌شود. (Binns,2018,P130)

در نهایت، چالش حقوقی دیگر، عدم سازگاری با چارچوب‌های قانونی و رویه‌های قضایی موجود است. بسیاری از نظام‌های حقوقی هنوز قوانین مشخصی برای پذیرش تحلیل‌های ماشینی در داوری و دادگاه ندارند، بنابراین استفاده عملی از هوش مصنوعی نیازمند توسعه مقررات و استانداردهای قانونی جدید است.

۷- انواع ابزارهای هوش مصنوعی در تفسیر قراردادهای تجاری

با گسترش فناوی هوش مصنوعی و در دسترس بودن، دقت و سرعت و راحتی کار با هوش مصنوعی در تفسیر قراردادهای تجاری می‌تواند از سوی طرفین قرارداد قبل و بعد از بروز اختلافات قراردادی در محاکم داوری و قضایی در موارد وجود اختلاف در مفهوم و حدود مفاد قرارداد استفاده شود.

۷-۱- کاربست پردازش زبان طبیعی (NLP) در تفسیر قرارداد

پردازش زبان طبیعی به عنوان زیرمجموعه‌ای از هوش مصنوعی، در تحلیل متون قراردادی نقش تطبیقی مهمی‌دارد؛ با به‌کارگیری مدل‌هایی مانند BERT یاGPT ، می‌توان بندهای ارکان مهم قرارداد (مانند تعهدات، ریسک‌ها و شرایط خاص) را به طور خودکار استخراج و طبقه‌بندی کرد، که این کار سرعت بررسی قرارداد را بسیار افزایش می‌دهد و احتمال خطای انسانی را کاهش می‌دهد. (Vattikuti, 2024,P10) در برخی پژوهش‌ها، از تحلیل رابطه (relation extraction) در قراردادها استفاده شده است: به‌عنوان مثال، با بهره‌گیری از شناسایی موجودیت و استخراج رابطه‌ها، می‌توان داده‌هایی مانند طرفین قرارداد، تاریخ‌ها، قوانین حاکم و تعهدات را از متن قرارداد بیرون کشید و به ساختار داده‌ای قابل استفاده برای قرارداد هوشمند تبدیل نمود (Chen et al. 2023,p4) این نوع تحلیل به‌ویژه در فرآیند تبدیل قرارداد سنتی به قرارداد هوشمند اهمیت دارد. همچنین، NLP امکان خلاصه‌ساز متون طولانی قراردادی را فراهم می‌آورد؛ با خلاصه‌سازی خودکار، سیستم می‌تواند نکات کلیدی قرارداد را به صورت مختصر در اختیار وکلا یا طرفین قرارداد قرار دهد، بدون آنکه لازم باشد متن کامل را بخوانند (ASTESJ, 2024,P2) این مزیت در کاربردهای عملی، مانند تحلیل سریع قبل از امضا یا مرور پیش‌نویس قرارداد، بسیار کاربردی است.

۷-۲- استخراج خودکار مفاهیم، شروط و ریسک‌های قراردادی

هوش مصنوعی با استفاده از مدل‌های پردازش زبان طبیعی قادر است به صورت خودکار بندها و شروط قراردادی را شناسایی و تحلیل کند. این مدل‌ها نه تنها کلمات کلیدی را استخراج می‌کنند، بلکه روابط ضمنی بین بندها مانند ترمینولوژی تعریف‌شده، تعهدات، ریسک‌ها و مسئولیت‌ها را نیز تشخیص می‌دهند . (Xu et al., 2022,P2583) فناوری‌های نوین مانند ContractEval از مدل‌های زبانی بزرگ (LLMs) برای شناسایی ریسک‌های حقوقی در سطح بندهای قرارداد استفاده می‌کنند و امکان ارزیابی ریسک‌های قانونی را بهینه‌تر می‌سازند. (Liu et al.,2025,P291)

در حوزه قراردادهای ساخت‌وساز، مدل‌هایی با ترکیب NLP و یادگیری ماشین طراحی شده‌اند که به‌طور خودکار جملات قرارداد را دسته‌بندی می‌کنند به گونه‌ای که ریسک، مسئولیت و حق طرفین به صورت قابل تحلیل استخراج شود. مثلاً یک مطالعه توانست با دقت بالا (۸۹٪) بندهای «ریسک» را از متون قرارداد استخراج کند تا در مدیریت ریسک پروژه کاربرد داشته باشد. (Dikmen et al.,2025,P2) این استخراج خودکار چند مزیت مهم دارد: کاهش زمان و هزینه بررسی قراردادها، افزایش دقت در شناسایی

شرایط پرخطر، و فراهم کردن دید تحلیلی دقیق برای وکلا، مدیران قرارداد و تیم‌های مـدیریت ریسـک. با این حال، برای استفاده عملی و حقوقی از این تحلیل‌ها، باید به اعتبار الگوریتم، شفافیت نتایج و امکان استناد به تحلیل ماشینی در محاکم و داوری‌ها توجه ویژه‌ای شود.

۸-مقایسه رویکرد ایران و انگلیس در پذیرش نتایج هوش مصنوعی

۸-۱- در ایران، هنوز چارچوب قانونی شفافی برای استفاده گسترده از هوش مصنوعی در قراردادهای حقوقی وجود ندارد و چالش‌هایی مانند مسئولیت مدنی ناشی از نتـایج هـوش مصـنوعی مـورد بحث هستند. برخی پژوهشگران بر ایـن باورنـد کـه فقـدان نهـاد تنظیم‌کننـده تخصصـی در قانون‌گذاری هوش مصنوعی، باعث نگرانی در اعتبار حقوقی تحلیل‌های ماشینی شده است.

۸-۲-از منظر مشروعیت حقوقی، تحلیل‌هایی در حقوق ایران مطرح شده‌اند کـه بـه ضـرورت ایجـاد مکانیزم‌های پاسخگویی و شفافیت در تصمیم‌گیری ماشین تأکید می‌کننـد. بـه عنـوان مثـال، سلحشـور و تـوکلی (۱۴۰۴) بـه «جهـات مشـروعیت هـوش مصـنوعی در حقـوق بنیـادین» پرداخته‌اند و ضرورت انطباق با اصول قانونی را بررسی کرده‌اند.

۸-۳-در حقوق انگلیس، نگرانی‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه استفاده از هوش مصنوعی ممکن اسـت بـه استناد نادرست یا ایجاد دلایل ساختگی منجر شود. گزارش‌های اخیر نشان می‌دهد که برخـی وکـلا در دادگاه‌های انگلیس از ابزارهاهوش مصنوعی استفاده کرده‌اند که به تولیـد آرا یـا مراجـع قضـایی جعلی منجر شده است، و قضاوت‌ها بر لزوم نظارت دقیق‌تر و چارچوب اخلاقی تأکید دارند.

۸-۴-از سوی دیگر، در نظام انگلیس، گام‌هایی به سمت پذیرش محدود و کنترل‌شده تحلیل ماشینی دیده می‌شود. به‌عنوان مثال، برخی قضات از هـوش مصـنوعی بـرای نوشـتن پیش‌نـویس آرا استفاده می‌کنند، ولی تأکید دارند که مسئولیت نهایی آن‌ها باقی می‌ماند و تحلیل ماشینی تنهـا به صورت کمکی به‌کار گرفته شود .

۸-۵-همچنین، از منظر حقوقی و نظری، مدل‌هایی پیشنهاد شده‌اند که مسئولیت حقوقی نتایج هوش مصنوعی را پوشش دهند. برای مثال، در پژوهشی پیشنهادی آمده است که می‌توان ترکیبی از «سیستم‌های خبره» با مدل «ذاتی سازگاری حقوقی (legal alignment) «ایجـاد کـرد تـا تحلیل قابل اعتمادتر و معتبرتر شود .

این مقاله نشان می‌دهند که در نظام حقوقی ایران پذیرش تحلیل هوش مصنوعی در حقوق ایران به صورت رسمی‌هنوز اتفاق نیفاده است و چالش‌های قانونی به قوت باقی هستند لیکن در نظام حقوقی انگلیس رویکرد محافظه‌کارانه اما در حال تحول است تحلیل ماشینی قابل استفاده است اما با نظارت و مسئولیت انسانی.

نتیجه

مطالعه حاضر نشان داد که هوش مصنوعی می‌تواند نقش قابل توجهی در تفسیر قراردادهای تجاری ایفا کند و فرآیند تحلیل متون حقوقی را سرعت ببخشد، دقت را افزایش دهد و ریسک خطاهای انسانی را کاهش دهد. با این حال، کاربرد AI با چالش‌های حقوقی، اثباتی و اخلاقی همراه است. در نظام حقوق ایران، نگرانی‌ها بیشتر حول مشروعیت، انطباق با اراده طرفین و مسئولیت مدنی متمرکز است، چرا که چارچوب قانونی روشن برای پذیرش تحلیل ماشینی به عنوان مدرک حقوقی وجود ندارد. در مقابل، نظام حقوقی انگلیس به سمت پذیرش کنترل‌شده و تحت نظارت **انسانی** حرکت می‌کند و بر شفافیت، توضیح‌پذیری و مسئولیت نهایی افراد حقوقی تأکید دارد.

تحلیل مقایسه‌ای نشان داد که تعارض میان تفسیر انسانی و ماشینی، محدودیت‌ها و خطاهای الگوریتمی، و چالش‌های داده‌ای و اخلاقی، مهم‌ترین عوامل محدودکننده کاربرد هوش مصنوعی در تفسیر قراردادها هستند. در عین حال، هوش مصنوعی می‌تواند امنیت حقوقی و پیش‌بینی‌پذیری قراردادها را افزایش دهد و طرفین را در تصمیم‌گیری‌های تجاری یاری کند، به شرط آنکه چارچوب‌های نظارتی، مسئولیت‌پذیری انسانی و استانداردهای شفافیت رعایت شود.

در پایان، می‌توان گفت که هوش مصنوعی ابزار کمکی ارزشمندی در تفسیر قراردادها است، اما جایگزین تصمیم‌گیری انسانی نمی‌شود. پژوهش حاضر بر ضرورت تدوین مقررات و استانداردهای قانونی و اخلاقی برای افزایش قابلیت استناد و مشروعیت تحلیل‌های ماشینی در هر دو نظام حقوقی ایران و انگلیس تأکید دارد.

۱۰- پیشنهادات

با توجه به تحلیل تطبیقی وضعیت پذیرش هوش مصنوعی در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس، به منظور افزایش مشروعیت، قابلیت استناد و امنیت حقوقی تحلیل‌های ماشینی، پیشنهادهای زیر در حوزه قانون‌گذاری و مقررات‌گذاری در ایران ارائه می‌شود.

۱۰-۱- تدوین قانون مشخص برای استفاده از AI در تحلیل قراردادها

ضروری است قانون‌گذار ایران چارچوبی روشن برای استفاده از هوش مصنوعی در تفسیر قراردادها تدوین کند که شامل تعریف مسئولیت‌ها، استانداردهای شفافیت و روش‌های بازبینی نتایج ماشینی باشد. این قانون می‌تواند الگویی مشابه مقررات محدود و کنترل‌شده انگلیس داشته باشد و مسئولیت نهایی تحلیل را بر عهده انسان قرار دهد.

۱۰-۲-تعیین مسئولیت مدنی و کیفری ناشی از خطا یا سوءتفسیر هوش مصنوعی

با توجه به احتمال خطاهای الگوریتمی، لازم است مقرراتی تدوین شود که تعیین کند در صورت بروز ضرر ناشی از تحلیل نادرست، چه شخص یا نهادی مسئول است (مکی، السادات و کشکولیان، ۱۴۰۳، ص. ۷۱–۷۹). همچنین باید جایگاهی برای جبران خسارات طرفین در نظر گرفته شود.

۱۰-۳-تأکید بر داده‌های باکیفیت و حفاظت از حریم خصوصی

استفاده از داده‌های ناقص یا مغرضانه می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری اشتباه شود. بنابراین، مقررات باید الزامات کیفیت، صحت و جامعیت داده‌ها را مشخص کند و حفاظت از اطلاعات محرمانه و شخصی طرفین قرارداد را تضمین نماید(Jobin, Ienca & Vayena, 2019.p1-5) .

۱۰-۴-ایجاد نهاد نظارتی تخصصی

تشکیل یک نهاد مستقل یا کارگروه تخصصی برای نظارت بر کاربردهوش مصنوعی در قراردادها و بررسی انطباق آن با اصول حقوقی و اخلاقی، می‌تواند ریسک سوءتفسیر و تضییع حقوق طرفین را کاهش دهد.

۱۰-۵-ترویج آموزش و آگاهی حقوقی در استفاده از هوش مصنوعی

وکلا، قضات و کارشناسان حقوقی باید آموزش کافی در زمینه تحلیل ماشینی، محدودیت‌ها و قابلیت‌های هوش مصنوعی دریافت کنند تا هم امنیت حقوقی و هم اعتماد قراردادی حفظ شود.

این پیشنهادها می‌توانند پایه‌گذار چارچوب قانونی و مقرراتی برای پذیرش مسئولانه و قابل اعتماد هوش مصنوعی در حقوق ایران باشند و علاوه بر افزایش کارایی تحلیل قرارداد، ریسک‌های حقوقی و اخلاقی آن را کاهش دهند.

منابع

کتابها:

- تبریزی، صادق.(۱۴۰۴)، هوش مصنوعی و کاربرد آن در حقوق و قضا، تهران. مرکز مطبوعـات و انتشارات قوه قضائیه.
- جلالی، حسین و انتظاری، سارا.(۱۴۰۴)، هوش مصنوعی در نظام تحلیل اسناد حقـوقی، تهـران ، انتشارات دادگستر
- شهیدی، مهدی.(۱۴۰۲)، تشکیل قراردادها وتعهدات، تهران، انتشارات مجد.
- شمس، محمود.(۱۳۹۲)، *تفسیر قراردادها در حقوق ایران*، تهران، مرکز مطالعات حقوقی دانشـگاه تهران.
- صفایی، سید حسین.(۱۳۹۴)، قواعدعمومی قراردادها. تهران ، انتشارات میزان.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۱)، قواعد عمومی قراردادها، تهران، شرکت سهامی‌انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). حقوق *مدنی- تعهدات ناشی از قرارداد ، جلد اول ، چـاپ سـوم*،تهـران، نشر میزان.
- محقق داماد،مصطفی و پورمحمدی، رضا. (۱۴۰۴)،تفسیر قانون؛نظریات و قواعد تفسیری، تهـران. مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- مقالات:
- حسینی، امین‌الله،السادات، محمدمهدی و خیراللهی، محمد. (۱۴۰۳)، « بررسی فقهـی مسـئولیت مدنی در فناوری هوش مصنوعی»، *پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست.*
- سلحشور، علی، توکلی، ابراهیم رضا، و حیدری، محمـد.(۱۴۰۴)، «حوزه‌هـای بهره‌منـدی هـوش مصنوعی در حقوق بنیادین افراد در پرتو بررسی جهات مشروعیت آن»، *دانشـنامه فقـه و حقـوق تطبیقی.*

- علومی یزدی، حمیدرضا و بابازاده، بابک.(۱۳۸۹)،«شیوه‌های تفسیر قرارداد در نظام حقوقی ایـران و انگلستان»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال دوازدهم، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۹.
- دهدشتی، علی. (۱۴۰۴)، «قانون حاکم و قواعد تفسیر در برابر مراجع خارجی»، نشریه پژوهشهای حقوقی، شماره ۶۴زمستان 1404.
- مکی، امیرعلی، السادات، محمد، و کشکولیان، احسان. (۱۴۰۳)، «بررسی مسئولیت ناشی از اعمال هوش مصنوعی در نظام حقوقی ایران» *فقه، حقوق و علوم جزا*، دوره ۳۹، ۷۱–۷۹.

منابع انگلیسی

- **Arbel, Yonathan A.; & Hoffman, David. (2023).** Generative Interpretation. *arXiv*. https://arxiv.org/abs/2308.06907
- **Ashley, Kevin D. (2017).** *Artificial Intelligence and Legal Analytics: New Tools for Law Practice in the Digital Age*. Cambridge University Press.
- **Binns, Reuben. (2018).** Algorithmic accountability and public law. *International Journal of Law and Information Technology*, 26(2), 113–131.
- **Binns, Reuben. (2018).** Fairness in machine learning: Lessons from political philosophy. In *Proceedings of the 2018 Conference on Fairness, Accountability, and Transparency*, 108–118.
- **Branting, L. Karl. (2010).** An overview of legal text analytics. In *Legal Knowledge and Information Systems: JURIX 2010* (pp. 3–12). IOS Press.
- **McKendrick, Ewan. (2018).** *Contract Law: Text, Cases, and Materials* (8th ed.). Oxford University Press.
- **Mitchell, Catherine. (2018).** *Interpretation of Contracts* (2nd ed.). Routledge.

The Role of Artificial Intelligence in the Interpretation of Commercial Contracts in Iranian and English Law

Abstract

The interpretation of commercial contracts is one of the fundamental issues in private law, so the accuracy and correct understanding of the provisions of the contract plays an important role in ensuring the stability and predictability of commercial relations. With the development of new technologies, especially artificial intelligence, the possibility of rapid and accurate analysis of contractual texts has been provided. This research, using an analytical-comparative approach, examines the role of artificial intelligence in the process of interpreting commercial contracts and its acceptance in the legal systems of Iran and England. In this study, first the principles and foundations of contract interpretation in the two legal systems are analyzed, and then the applications of artificial intelligence in automatic analysis of contract text and its legal, ethical, and practical challenges are identified. Also, the differences and similarities between the two systems in the acceptance of machine analysis and its legitimacy are examined. The findings show that artificial intelligence can increase the accuracy and speed of contract interpretation, but is not able to completely replace human judgment. From a comparative perspective, the English legal system, with its greater flexibility, facilitates the adoption of new technologies, while in the Iranian's, the text-based nature and emphasis on the actual intention of the parties create limitations for the adoption of machine analysis. By providing a comparative framework and proposing legal and practical solutions, this research can pave the way for the legitimate and gradual use of artificial intelligence in the interpretation of commercial contracts in Iran and contribute to the scientific and practical development of information technology law and commercial contracts.

Keywords: Artificial Intelligence, Contract Interpretation, Commercial Contracts, Automated Analysis